

**ORIGINAL ARTICLE**

## Investigating economic and social situation of Astrabad in Qajar era until 1324 A.H

Zahra Ghanbari Maleh<sup>1\*</sup>, Maryam Arabion<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Education, Payam Noor University, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> MA in Iranian Islamic History.

**Correspondence**

Zahra Ghanbari Maleh

Email: [z.ghanbarimaleh@pnu.ac.ir](mailto:z.ghanbarimaleh@pnu.ac.ir)

### ABSTRACT

Astrabad province with the center of Astrabad city, with a very ancient history, was one of the most important states in most periods of Iran's history. It has been statesmen's focus due to its suitable geographical and strategic location and actual economic facilities such as having fertile lands and its proximity to the powerful government of Russia, central Asia region, Khorasan state and Mazandaran sea. Therefore, the authors of this article are trying to investigate the economic and social situation of this city in the Qajar era and also economic developments including export and import of goods, the strategic role of Astrabad in the region, social development, ethnic groups living in the region, population, localities and civilizational structures and the variable fluctuations resulting from the developments. The results indicate that Astrabad was able to enjoy social and economic growth and development in the Qajar era due to its proximity to Russia and as a bridge in the distribution of goods in the region.

### KEY WORDS

Astrabad, Qajar, Social and economic situations, local history..

**How to cite**

Ghanbari Maleh, Z. & Arabion, M. (2023). Investigating economic and social situation of Astrabad in Qajar era until 1324 A.H. Iran Local Histories, 11(2), 109-122.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

## بررسی اوضاع اقتصادی و اجتماعی استرآباد در عصر قاجار تا سال ۱۳۲۴ هـ.ق

زهرا قنبری مله<sup>۱</sup>، مریم عربیون<sup>۲</sup>

### چکیده

ایالت استرآباد به مرکزیت شهر استرآباد با پیشینه‌ای بسیار کهن، در بیشتر دوره‌های تاریخ ایران، یکی از ایالت‌های مهم به شمار می‌رفت و همواره به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیک مناسب و داشتن امکانات بالفعل اقتصادی همچون دارا بودن زمین‌های حاصلخیز و مجاورت آن با دولت روسیه، منطقه‌ی آسیای میانه، ایالت خراسان و دریای مازندران، مورد توجه دولت‌مردان بوده است. از همین رو نگارندگان این مقاله در تلاش هستند ضمن بررسی اوضاع اقتصادی و اجتماعی این شهر در عصر قاجار، تحولات اقتصادی اعم از صادرات و واردات کالاها، نقش استراتژیک استرآباد در منطقه، توسعه‌ی اجتماعی، اقوام ساکن در منطقه، جمعیت، محلات، سازه‌های تمدنی و نوسانات متغیر حاصل از تحولات را مورد بررسی قرار دهند. نتایج حاکی از آن است که استرآباد در عصر قاجار به دلیل نزدیکی به روسیه و نیز به عنوان پل ارتباطی در توزیع کالا در منطقه، توانسته است از رشد و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی برخوردار گردد.

### واژه‌های کلیدی

استرآباد، قاجار، اوضاع اجتماعی و اقتصادی، تاریخ محلی.

<sup>۱</sup> استادیار گروه معارف، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران  
<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی.

نویسنده مسئول:

زهرا قنبری مله

رایانامه: z.ghanbarimaleh@pnu.ac.ir

استناد به این مقاله:

قنبری مله، زهرا و عربیون، مریم (۱۴۰۲). بررسی اوضاع اقتصادی و اجتماعی استرآباد در عصر قاجار تا سال ۱۳۲۴ هـ.ق. فصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۱(۲)، ۱۰۹-۱۲۲.

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

## ۱. مقدمه

ایالت استرآباد به مرکزیت شهر استرآباد با پیشینه‌ای بسیار کهن، در بیشتر دوره‌های تاریخ ایران به‌عنوان یکی از ایالت‌های مهم به‌شمار می‌رفت و امروزه به مرکزیت استان گلستان، شهر گرگان کنونی نامیده می‌شود. این ایالت در عصر قاجار به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و داشتن منابع سرشار طبیعی، مورد توجه کشورهای بزرگ آن زمان چون روسیه و انگلیس بوده است.

بررسی بر روی پیشینه تحقیق استرآباد نشان می‌دهد کمتر اثر جامعی در مورد اوضاع اجتماعی و اقتصادی این ایالت در بازه زمانی مذکور به رشته‌ی تحریر درآمده است اما از میان آثاری که با موضوع استرآباد به نگارش درآمده است، می‌توان به کتابی با عنوان از «استارا تا استرآباد» نوشته‌ی منوچهر ستوده در پنج مجلد که در جلد پنجم، شرح مبسوطی از آثار و بناهای تاریخی گرگان و استرآباد، موقعیت جغرافیایی آن و معرفی بلوکات و محلات ارائه کرده است، یاد کرد (ستوده، ۱۳۷۷). همچنین ذبیحی در کتاب «گرگان‌نامه و استرآبادنامه» تلاش نمود تا شرح مفصلی از وجه تسمیه استرآباد ارائه دهد. کتاب «استرآبادنامه ذبیحی» مجموعه‌ای از سه سفرنامه است: از جمله «تخبه سیفیه» تألیف صولت‌نظام و ترجمه «سفرنامه کنل لوات انگلیسی»<sup>۱</sup> که به استرآباد سفر کرده بودند و «روزنامه سفر استرآباد» شرح مسافرت شخصی است که در سال ۱۲۶۳ ه.ق. به طوایف یموت و گوکلان عزیمت کرده است (استرآبادنامه، ۱۳۸۶). وی همچنین در کتاب «گرگان‌نامه» با رعایت سبک و سیاق «استرآبادنامه» توضیحات بیشتری در مورد استرآباد و ترکمنان ارائه کرده است، که هیچ‌یک به‌طور خاص به مسائل اجتماعی و اقتصادی اشاره ندارد (گرگان‌نامه، ۱۳۶۳). کاظم‌بیگی در مقاله «روسیه، دریای مازندران و استرآباد» (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹، ش ۲۸) و در مقاله «کنسولگری بریتانیا در ایالات جنوبی دریای مازندران در دوران قاجار و کارکنان محلی آن» بیشتر به بررسی اوضاع سیاسی استرآباد پرداخته است که مطالعه‌ی مقاله‌ی فوق در پژوهش‌های مربوط به استرآباد در دوره قاجار راهگشا و مفید است (کاظم‌بیگی، ۱۳۹۰، ش ۲). معینی نیز در کتاب «جغرافیا و جغرافیای تاریخی گرگان و دشت» تنها در بخشی از کتاب به جغرافیای تاریخی گرگان و دشت پرداخته است (معینی، ۱۳۴۴). جواد نیستانی در مقاله «جغرافیای تاریخی و وضعیت اقتصادی استرآباد» موقعیت جغرافیایی و وضعیت اقتصادی استرآباد از سده چهارم ه.ق تا سال ۱۳۱۶ ه.ش را مورد بررسی قرار داده است که مطالب آن با وجود بررسی ادوار مختلف تاریخی می‌تواند مفید می‌باشد (نیستانی، ۱۳۷۷).

ویلم فلور در «تبارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار» بسیار جزئی به گمرک ایران در استرآباد و بندرگز اشاره کرده است (فلور، ۱۳۶۶) و چارلز عیسوی در کتاب «تاریخ اقتصادی ایران (قاجار ۱۲۱۵-۱۳۳۲)» اقتصاد ایران را که شامل محصولات صنایع دستی، تولیدات و... می‌باشد و جمعیت ایران در فاصله سال‌های ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه.ق مورد بررسی قرار داده و توانسته آمار و اطلاعات مفیدی را در اختیار نگارنده قرار دهد (عیسوی، ۱۳۶۲). در آخر اینکه معطوفی در آثارش از جمله «تاریخ و پیشینه اجتماعی شهرستان بندرگز، بلوک انزان» (معطوفی، ۱۳۹۴) و گرگان و استرآباد، سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی (معطوفی، ۱۳۸۷) استرآباد و گرگان در بستر تاریخ (معطوفی، ۱۳۹۶)، درباره اوضاع اجتماعی، محلات، اقوام، سنگ مزارها، گزارشات تاریخی مربوط به استرآباد و بلوک انزان و... اطلاعاتی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. از این‌رو ضمن نوین بودن موضوع مورد پژوهش، نگارندگان بر آنند که ضمن بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی استرآباد در عصر قاجار به این سؤال اصلی بپردازد که چه عواملی در نوسانات متغیر اقتصادی و اجتماعی شهر استرآباد تأثیرگذار بوده است و چه تأثیری بر فضای کالبدی و اقتصاد شهر استرآباد داشته است. به نظر می‌رسد وجود تجارخانه‌های متعدد در استرآباد از یک‌سو و مبادلات تجاری با دولت روسیه سبب رونق اقتصادی و اجتماعی این شهر شده است اما شیوع انواع بیماری‌ها و تهاجم ترکمن‌ها و ناامن شدن راه‌ها در برهه‌ای سبب رکود اقتصادی و اجتماعی در این ایالت شده است.

## ۲- جغرافیای تاریخی استرآباد

شهر استرآباد واقع در شمال رشته‌کوه البرز، در شمال شرقی ایران و در جنوب شرقی ساحل دریای مازندران و در ساحل یکی از شعبه‌های رودخانه قره‌سو بنا شده بود، که برپایه اطلاعات موجود در کتب جغرافی دانان متقدم اسلامی، استرآباد از شهرهای جرجان محسوب می‌شد. بر این اساس مقدسی می‌گوید: «گرگان خوره‌ای است در دشت و کوه و از شهرهای استرآباد، آبسکون می‌باشد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۵۱۹) و استرآباد و آبسکون و دهستان از بیشه گرگان است (استخری، ۱۳۴۷: ۱۷۰؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۲۰؛ حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۴۴؛ رابینو، ۱۳۶۶: ۱۰۳).

استرآباد از نظر تقسیمات سیاسی و اداری در دوره‌های مختلف تاریخ ایران، به مناطق دیگری مانند جرجان، طبرستان و یا خراسان منضم می‌گردید (نیستانی، ۱۳۸۵: ۸/۱۷۵). ابوالفداء در تقویم‌البلدان

و برف کم می‌بارد و هر وقت در زمستان باد از شمال باشد، هوا سرد و خشک و سرما باعث می‌شود آب یخ بیند (شوقی، ۱۳۱۴: ۱۵) و درباره کوهستان این منطقه در مدت شش ماه از سال پوشیده از برف و در ماه‌های تابستان مشتمل بر مراتع سبز و خرم است. استرآباد مانند سایر ایالات ساحلی شمالی ایران، جلگه‌ای از شرق به غرب دارد و قسمت کوهستانی واحد جنوبی آن را تشکیل می‌دهد، این جلگه دارای جنگل‌های عالی است و نهرهای متعدد از میان آن جاری است که تا حدود نوده تقریباً از پنجاه مایلی حد غربی ایالت استرآباد امتداد دارد. (رایینو، ۱۳۳۶: ۱۰۹)، و قسمت کوهستانی مشتمل است بر مسیر علیای رودخانه نکا، کوه‌های شاهوار، شاهکوه، جهان‌نما و گز (دمورگان، ۱۳۳۸: ۱۳۰).

همچنین دو رشته قنات در خارج از شهر وجود داشت که آبش شهر را مشروب می‌کرد؛ یکی آب سرخواجه که معروف به چهل دختر بود و دیگری رشته قناتی بود که از وسط شهر می‌آمد و متعلق به محله سرچشمه بود، آب رودخانه‌ای هم از سمت (زیارت خسرو) می‌آمد و از طرف دروازه بسطام داخل شهر می‌شد و این آب موقوفه شرب اهالی استرآباد بود (ذبیحی، ۱۳۸۶: ۱۷). کرزن بر این عقیده بود که «سرزمین استرآباد از بابت شرایط اقلیمی و خاک به گونه‌ای طبیعی برای تولید وافر هر آنچه آدمی نیاز دارد» مساعد است (کرزن، ۱۳۶۲: ۱/ ۴۶۹)؛ کاظم بیگی، ۱۳۸۹: ۱۶: ۲۸)، و آنچنان خاک آن بارور و حاصلخیز است (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۹۰) که هر تخمی ۱۰ تخم می‌دهد (موریه، ۱۳۸۲: ۴۱۸/۲) و تمام اراضی آن لاله‌زار و گلستان است (مکنزی، ۱۳۵۹: ۲۰۰؛ ذبیحی، ۱۳۸۶: ۱۷).

شمار بلوک‌های ایالت استرآباد در دوره‌های مختلف قاجار تفاوت داشته است و طبق آماری که در منابع دست اول و منابع دست دوم آمده است، در طی سال‌های ۱۲۶۲ تا ۱۳۲۵ ه. ق بین ۶ تا ۹ بلوک گزارش داده شده است که به‌طور کلی به تفکیک سال‌ها در جدول زیر نمایش داده شده است.

می‌گوید: «استرآباد بر حد طبرستان است» و عملاً استرآباد را شهری از بلاد مازندران معرفی می‌کند. همو می‌گوید: «استرآباد نام قریه‌ای است از نواحی نساء از خراسان» (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۵۵). مرعشی نیز چنین می‌آورد: «حد گرگان که به استرآباد مشهور است حد شرقی تمام طبرستان است (مرعشی، ۱۳۶۳: ۲۱) و حد غربی استرآباد در یک منزلی طبرستان بوده است» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۲۶). ملکونف در سفرنامه‌اش آورده است که استرآباد قبل از صفویه به‌عنوان یکی از بلوکات مازندران محسوب می‌شد (ملکونف، ۱۳۶۴: ۲۷). استرآباد به تدریج از دوره صفویه اهمیت یافت و به‌صورت ایالت درآمد و دامغان و بسطام نیز گاه از توابع آن شمرده می‌شد. با انعقاد قرارداد آخال در سال ۱۲۹۹ ه. ق میان دو دولت روسیه و ایران، رود اترک به‌عنوان خط مرزی ناحیه استرآباد و روسیه انتخاب گردید (نیستانی، ۱۳۸۵: ۸/۱۷۵). ژاک دمورگان در سال ۱۳۰۹ ه. ق ایالت استرآباد را که زاویه جنوب شرقی ساحل خزر را اشغال می‌کند از شمال مجاور و هم‌مرز ترکمنستان روس، از شرق به خراسان، از جنوب، به ایالت بسطام و از مغرب، به مازندران معرفی می‌کند، و مرز شمالی، شاخه چپ رودخانه اترک است و در شرق، حد بین خراسان و ایالت استرآباد خیلی کمتر مشخص شده است، این مرز از اترک به مغرب کورداغی رفته از نزدیکی چشمه‌های گرگان در سمت کای کوی، گذشته و به مرز حکومت بسطام در گردنه ناردین می‌پیوندد (دمورگان، ۱۳۳۸: ۹۵). در طرف مازندران حد بین دو ایالت مطلقاً قراردادی است، این مرز از رشته جبال اصلی شروع و بین اشرف (بهشهر) و کردمحله در غرب ده لیوان، تقریباً روبروی دماغه شبه‌جزیره میانکاله که خلیج استرآباد را مسدود می‌کند، به دریا می‌رود (رایینو، ۱۳۳۶: ۱۰۹).

ایالت استرآباد از نظر طبیعی به سه بخش کاملاً متمایز تقسیم می‌گردد، استپ در شمال که در تابستان بسیار گرم و در زمستان خیلی سرد و یخ‌زده است، و در بخش وسطای خود، بسیار معتدل (دمورگان، ۱۳۳۸: ۱۳۰) هوای زمستان آن سرد نیست، باران فراوان

جدول شماره ۱. تعداد بلوکات استرآباد در عصر قاجار تا سال ۱۳۲۵ ق

کازم بیگی	ابوت	مکنزی	ملکونف	ذبیحی	میرزا ابراهیم	قورخانچی	رایینو
۱۲۶۲ ه. ق	۱۲۶۳-۱۲۴۸ ه. ق	۱۲۷۵ ه. ق	۱۲۷۵-۱۲۷۷	۱۲۷۶ ه. ق	۱۲۸۶-۱۲۷۷	۱۳۲۱ ه. ق	۱۳۲۵ ه. ق
۷ بلوک	۹ بلوک	۷ بلوک	۶ بلوک	۸ بلوک	۷ بلوک	۷ بلوک	۷ بلوک

### ۳- فضاهای کالبدی ایالت استرآباد

در ایالت استرآباد، بنا بر گزارش‌های موجود در منابع سال‌های ۱۲۷۵ هـ ق (مکنزی)، ۱۲۷۷ هـ ق (میرزا ابراهیم)، ۸۸-۱۲۸۵ هـ ق (رایینو) و ۱۳۲۴ هـ ق (ذبیحی)، ۴-۵ دروازه بوده است که از دیوار قلعه استرآباد به هر سمتی به نامی مناسب نامیده شده بود، که عبارتند از:

۱- دروازه شرقی یا بسطام

۲- دروازه غربی یا مازندران، که ملکونف از آن به‌عنوان دروازه میدان یاد می‌کند (ملکونف، ۱۳۵۹:۱۱۳).

۳- دروازه شمال یا سیزه مشهد که رایینو و ذبیحی آن را دروازه فوجرد مکتوب کرده‌اند (رایینو، ۱۳۳۶:۱۰۳؛ ذبیحی، ۱۳۶۳:۲۵۱).

۴- دروازه جنوبی یا چهل دختران.

۵- دنکوان (رایینو، ۱۳۳۶:۱۰۳) که دروازه گرگان (ذبیحی، ۱۳۶۳:۲۵۱) و دروازه استرآباد نامیده می‌شد (هارون و هومن، ۱۳۸۳:۹۰)، که مسدود و محل رفت و آمد نبود (مکنزی، ۱۳۵۹:۹۱؛ ملکونف، ۱۳۶۴:۶۳؛ میرزا ابراهیم، ۲۵۳۵:۴۸؛ ذبیحی، ۱۳۶۳:۹۰).

به‌طور کلی ایالت استرآباد، در بازه زمانی (۱۲۹۶-۱۲۷۵ هـ ق / ۱۲۳۷-۱۲۵۷ هـ ش)، بنا بر گزارش‌های مندرج در منابع، دارای سه محله اصلی و بیست و شش محله فرعی بود که تا پایان سال (۱۲۸۶ هـ ق / ۱۲۴۹ هـ ش) دارای هفده محله فرعی و بعد از آن تا پایان سال (۱۲۹۶ هـ ق / ۱۲۵۷ هـ ش)، ۹ محله فرعی دیگر به آن اضافه می‌شد و بعضی از محلات هم، با یکدیگر ادغام شدند.

لازم به ذکر است که افزایش محلات فرعی در سال‌های فوق‌الذکر و تغییر نام بعضی از محلات اصلی نشان از ادغام برخی از محلات و پیدایش محلات فرعی جدید با نام‌های جدید است. بر همین اساس ملکونف از سه محله اصلی به نام‌های نعلبندان، سبزی مشهد و دروازه نو نام می‌برد (ملکونف، ۱۳۶۴:۶۳-۶۴) و هفده محله فرعی که در منابع از آنها به‌عنوان کوچه (ملکونف، ۱۳۶۴:۶۳؛ علاءالدوله - ملکونف، ۱۳۶۳:۲۷)، گذر (میرزا ابراهیم، ۲۵۳۵:۵۰؛ ذبیحی، ۱۳۶۳:۲۵۱) و محلات فرعی (رایینو، ۱۳۳۶:۱۰۳) نام برده است. میرزا ابراهیم با ذکر سه محله اصلی و پانزده محله فرعی نشان می‌دهد که نسبت به آمار ملکونف، افزایش نداشته است و بعضی از این محلات در هم ادغام شده‌اند، زیرا نام محله جدیدی به محلات اصلی اضافه شد و نام بعضی از محلات فرعی هم به‌دلیل نزدیکی بازه زمانی سفر ملکونف و میرزا ابراهیم به استرآباد، احتمالاً از قلم افتاده بود، مثل نام محله فرعی بلوچ که از قلم افتاده

بلوک‌ها عبارتند از:

(الف) بلوک شاه‌کوه و ساور: شامل تمام ناحیه کوهستانی جنوب استرآباد تا شاهرود و بسطام (رایینو، ۱۳۳۶:۱۱۲؛ ملکونف، ۱۳۶۴:۵۸-۷۰).

(ب) بلوک استرآباد رستاق که در شمال و شرق شهر استرآباد واقع بود و بلوک فخر عمادالدین نیز از منضمات آن، بوده است (ملکونف، ۱۳۶۴:۵۸؛ رایینو، ۱۳۳۶:۱۱۳).

(پ) بلوک سدن رستاق که در شهر استرآباد (رایینو، ۱۳۳۶:۱۰۱) و در سمت شمال و شمال شرقی استرآباد واقع بود (ملکونف، ۱۳۶۴:۵۸).

(ت) بلوک انزان: در مغرب ایالت استرآباد و نزدیک خلیج استرآباد بود (رایینو، ۱۳۳۶:۹۹؛ ملکونف، ۱۳۶۴:۵۸؛ ذبیحی، ۱۳۶۳:۱۰۰). این ناحیه جمعیتش کم و جنگل‌های آن نسبت به نقاط دیگر مازندران انبوه‌تر بود (ستوده، ۱۳۷۷:۲۱۷).

(ث) بلوک کتول: این ناحیه در جنوب شرقی استرآباد و در جنوب بلوک استرآباد رستاق واقع بوده و از کوهستان تا صحرایی که در سمت ترکمن‌ها بوده است محدود بود (رایینو، ۱۳۳۶:۱۱۳؛ ملکونف، ۱۳۶۴:۵۸).

(ج) بلوک فندر سک که میان کتول و حد شمالی استرآباد بود (ملکونف، ۱۳۶۴:۵۸)، که این بلوک در سال ۱۳۲۵ هـ ق بخشی از کوهسار و رامیان هم جزو این ناحیه محسوب می‌گردید (ذبیحی، ۱۳۶۳:۱۰۱؛ رایینو، ۱۳۳۶:۱۷۱؛ دمورگان، ۱۳۳۸:۱۴۷؛ ستوده، ۱۳۷۷:۳۱۳).

در تقسیم بلوکات استرآباد، بلوکات از حیث خاک و جمعیت، به ترتیب قسمت ولایتی، به چندین بلوک (جدول بالا) تخمین و تعیین می‌شدند (ذبیحی، ۱۳۶۳:۱۰۱).

بر اساس شمار بلوکات در منابع دست اول و دوم، دو بلوک استرآباد رستاق و سدن رستاق به‌طور ثابت تکرار شده و هیچ‌گاه منضم به بلوکات دیگر قرار نگرفته بود. اما بلوکات دیگری که نام برده شده است، در برخی از موارد بر اثر دستبردها و تاخت و تازهای ترکمن‌ها، و یا شیوع بیماری‌های لاعلاج همچون وبا (ناطق، ۱۳۵۸:۲۲) سکنه و اهالی روستا کشته و یا اینکه بسیاری از روستاها به دست آنها ویرانه و خراب می‌شدند (پولاک، ۱۳۶۱:۳۰۸؛ رایینو، ۱۳۳۱:۱۱۳ و ۱۰۱)، چنانکه مکنزی می‌گوید از ۶۳ دهی که ابوت گزارش داده است اکنون ویرانه‌ای باقی مانده است (مکنزی، ۱۳۶۴:۱۸۴؛ ابوت، ۱۳۹۶:۹۰) و حتی در برخی از موارد از بعضی خانواده‌های ده-دوازده نفری بیش از دو تا سه نفر باقی نماندند (بارنز، ۱۳۶۶:۸۵).

گاو‌بندان و تکیه خان در محله سرچشمه نام برد (رایینو، ۱۳۳۶: ۱۰۳). این محلات فرعی در سال ۱۲۹۶ هـ.ق به پانزده محله فرعی تغییر کردند به گونه‌ای که در سال ۱۲۹۶ هـ.ق از محله‌های فرعی به نام‌های نقاره‌چیان، چمن‌دیان، تکیه عباسعلی و تکیه‌خان، نامی وجود نداشت (ذبیحی، ۱۳۶۳: ۲۵۲).

و حاجیلر که از آن نیز نامی برده نشد و محله اصلی دروازه نو که به میدان تغییر نام داده شد (میرزا ابراهیم، ۲۵۳۵: ۴۸-۵۰). رایینو که در سال ۸۹-۱۲۸۸ هـ.ق. به استرآباد سفر کرده بود از سه محله اصلی، با تغییر یک نام جدید و هجده محله فرعی نام برد که در میان آنها می‌توان در محله اصلی نعلبندان، از محله فرعی باغشاه و در محله اصلی میدان، از تکیه عباسعلی، میرکریمی،

جدول شماره ۲. تعداد محلات در استرآباد در عصر قاجار تا سال ۱۳۲۵ق

ردیف	مولفین / سفرنامه‌ها	نام محلات اصلی و فرعی <sup>۱</sup> بر اساس مشاهدات مندرج در منابع
۱	ملکونف ۷۷-۱۲۷۵ (۶۴:۱۳۶۴-۶۴)	۱- نعلبندان (خیمه‌دوزان، پای سرو، میخچه‌گران، شیرکش، بلوچ و حاجیلر) ۲- سبزه مشهد (سوخته چنار، سرچشمه، سرپیر، چمن‌دیان، نقاره‌چیان، دباغان) ۳- دروازه نو (درب‌نو، کاسه‌گران، باغ‌پلنگ، دوشنبه، دوچناران)
۲	میرزا ابراهیم ۸۶-۱۲۷۷ (۴۸:۲۵۳۵)	۱- نعلبندان (خیمه‌دوزان، پای سرو، میخچه‌گران، شیرکش) ۲- سبزه مشهد (سوخته چنار، سرچشمه، سرپیر، چمن‌دیان، نقاره‌چیان، دباغان) ۳- میدان (درب‌نو، کاسه‌گران، باغ‌پلنگ، دوشنبه، دوچناران)
۳	ذبیحی ۱۲۹۶ هـ.ق (۲۵۲:۱۳۶۳)	۱- نعلبندان (پای سرو، میخچه‌گران، شیرکش، بلوچ، باغشاه، نعلبندان) ۲- سبزه مشهد (سرچشمه، سرپیر، دباغان، سبزه مشهد، چهارشنبه) ۳- میدان (دروازه نو، دوشنبه، دوچناران، میرکریمی)
۴	رایینو ۱۳۲۵ (۱۰۳:۱۳۳۶)	۱- نعلبندان (پای سرو، میخچه‌گران، شیرکش، بلوچ، باغشاه، خیمه‌دوزان) ۲- سرچشمه (سرپیر، دباغان، نقاره‌چیان، چمن‌دیان، تکیه خان) ۳- میدان (درب نو، دوشنبه، دوچناران، میرکریمی، سبزه مشهد، تکیه عباسعلی، گاو‌بندان)

فرعی، مسجد یا تکیه‌ای به نام آن محل نامگذاری شده بود، زیرا برخی از مساجد یا تکیه‌های نامبرده شده به نام محلات ذکر گردیده بود. علاوه بر آن مدارسی که در این محلات تشکیل شده بود، نشان از گستردگی محل و میزان جمعیت آن داشت؛ بر این اساس در پشت بازار نعلبندان، مدرسه دارالشفاء و مدرسه مرحوم حاج ملارضا، مدرسه مرحوم حاج محمدتقی‌خان در محله نعلبندان (رایینو، ۱۳۳۶: ۱۰۴؛ ذبیحی، ۱۳۶۳: ۲۵۳)، مدرسه آقا مفیدی در گذر دروازه نو و مدرسه آقا محسن در اول محله میدان و قرینه مدرسه دروازه نو، مدرسه سادات در گذر میرکریمی در محله میدان و مدرسه حاج محمد صالح و آقا محسن عمادیه و امیرخان سردار سپه‌سالار اعظم قرار داشت، که مدرسه‌ی امیرخان از مدارس قدیمی و آبادی بود که متعلق به مرحوم حاج ملارضا بوده و سردار نه تنها آن را

در هر یک از محلات، براساس جمعیت و گستردگی و نیازهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، فضاهای کالبدی شکل گرفته بود (خسرویگی و قنبری مله، ۲۸: ۱۳۹۱) که از جمله این فضاها می‌توان به تشکیل مدرسه، مسجد و کاروانسراها را نام برد. گزارش‌های مندرج در منابع، همچون بارنز، مکنزی و میرزا ابراهیم، تنها به ذکر آمار مدارس، کاروانسرا و مدارس اشاره می‌کنند ولی نامی از آن نمی‌برند، اما ملکونف در سال ۷۷-۱۲۷۵ از مسجد جامع در محله نعلبندان و مسجد گلشن در محله دروازه نو خبر می‌دهد (ملکونف، ۱۳۶۴: ۶۴) که به گزارش معطوفی بنای مسجد گلشن توسط شریعتمداری در سال ۱۲۴۱ هـ.ق احداث گردید (معطوفی، ۱۳۹۶: ۲۶۱). رایینو در سال ۸۹-۱۲۸۸ هـ.ق از چهل مسجد و هشت مدرسه مذهبی نام می‌برد. به نظر می‌رسد که در هر محله اصلی و

۱. نام محلات فرعی در پرانتز ذکر شده است.

عبدالله مستوفی در باب خانه‌ها در استرآباد می‌نویسد: «کلیه خان‌هایی که سرو کاری با ولایات داشته‌اند مجبور بودند محله نسبتاً آبرومندی در بیرون خانه داشته باشند تا واردین خارجی را که گاهی با اسب و نوکر می‌آمدند بتوانند پذیرایی کنند» (مستوفی، ۱۳۷۷: ۱/۱۷۵). از همین‌رو به نظر می‌رسد که نام بسیاری از کاروانسراهایی که قورخانچی از آنها به نام «سرای» متذکر شده است کاربرد کاروانسرا داشته و بی‌ربط با توضیحات مستوفی نبوده است. قورخانچی همچنان به ذکر نام بسیاری از حمام‌هایی در سال ۱۳۲۱ هـ.ق می‌پردازد که به وضوح نشان‌دهنده نام محلات ذکر شده (در جدول ش ۲) در استرآباد است. از جمله حمام‌های دایر در استرآباد نیز می‌توان به حمام علیخان قاجار، خاله قزی، مهدیقلی خان، کاسه‌گران، دروازه نو، کفش‌دوزان، چشمه، دباغان، سرپیر، میخچه‌گران، قاضی، حمام جدید مرحوم حاج محمد حسین امین دارالضرب و حمام شاه اشاره کرد (ذبیحی، ۱۳۶۳: ۹۲).

مرمت کرده بود بلکه برای آن تیمچه و کاروانسرا ساخته و همه را وقف مدرسه نمود. لازم به ذکر است تمام این مدارس باز و آباد بودند (رابینو، ۱۳۳۶: ۱۰۴؛ ذبیحی، ۱۳۶۳: ۲۵۳ و ۹۱). در باب کاروانسراها، بارنز از چهار کاروانسرا و میرزا ابراهیم و مکتزی به وجود سه کاروانسرا اشاره می‌کنند اما نامی از آنها نمی‌برند (بارنز، ۱۳۶۶: ۸۵؛ مکتزی، ۱۳۵۹: ۱۹۱؛ میرزا ابراهیم، ۲۵۳۵: ۴۹). در سال ۱۲۹۶ هـ.ق ذبیحی از نام دو کاروانسرا به نام‌های کاروانسرای محمدتقی‌خان و حاج تقی یاد کرده و از دو کاروانسرای دیگر فقط با نام صرفاً «کاروانسرا» ذکر شده است. در کنار کاروانسراها، از بناها و عمارات دولتی نیز در این دوره‌ی زمانی می‌توان یاد کرد همچون عمارت کنسولگری دولت روس که شاهزاده سپهسالار اعظم در محله نعلبندان ساخته بود و دیگر، عمارت و باغ کارگزاری محمدتقی خان بود که در خیابان پشت دروازه بسطام واقع بود که عمارت باغ میرزا جعفرخان منشی باشی کنسولگری بوده است (ذبیحی، ۱۳۶۳: ۲۵۳).

جدول شماره ۳. فضاهای کالبدی شهر استرآباد

سال / مولفین	بارنز ۱۲۴۸-۱۲۴۶ هـ.ق	مکتزی ۱۲۷۵ هـ.ق	ملکونف ۱۲۷۵-۷۷ هـ.ق	میرزا ابراهیم ۱۲۷۷-۸۶ هـ.ق	ذبیحی ۱۲۹۶ هـ.ق	ذبیحی ۱۳۲۱ هـ.ق	رابینو ۱۳۲۵ هـ.ق
محلات		سه محله اصلی	۳ محله اصلی، ۱۷ محله فرعی	۳ محله اصلی، ۱۵ محله فرعی	۳ محله اصلی، ۱۵ محله فرعی	۳ محله اصلی	۱۸ محله فرعی
کاروانسرا	۴	۳		۳	۴	۸	-
مسجد	-	۴۷	۴۷	۴۷	۲	۶	۴۰
مدرسه	-	۷	۷	۷	۷	۷	۸
حمام	-	۱۳	۱۳	۱۳	-	۱۳	۱۴
دکان	۱۲	۳۹۵	۳۹۵	۳۹۵	-	۵۰۰	-
ارجاع	(۱۳۶۶: ۸۵)	(۱۳۵۹: ۱۹۱)	(۱۳۶۴: ۶۴)	(۲۵۳۵: ۴۹)	(۱۳۳۶: ۲۵۳)	(۱۳۶۳: ۹۱-۹۰)	(۱۳۳۶: ۱۰۴)

#### ۴- بافت قومیتی و تغییرات جمعیتی در استرآباد

ایالت استرآباد از لحاظ نژادی از اقوام مختلفی تشکیل شده بود (مکتزی، ۱۳۵۹: ۱۹۴) و طایفه قاجار، مهم‌ترین طایفه‌ای بود که به‌گونه‌ای تاریخ این ایالت را تحت‌تاثیر خود قرار داد و در بافت قومی این ایالت تغییر ایجاد کرد.

شاه‌عباس، ایل قاجار را که ترک‌نژاد بودند و به دستور امیر تیمور از شام به ایران آمده بودند (شیبانی، ۱۳۶۶: ۱/ ۳۷) را به سه دسته

تقسیم کرد؛ یک طایفه را به گنجه به جهت دفع لزگی‌ها فرستاد و طایفه دوم را با هدف دفع ازبکان به مرو، و طایفه سوم را با هدف دفع ترکمنان به استرآباد آورد که این طایفه در استرآباد ادعای سلطنت کردند (ساروی، ۱۳۷۱: ۲۵؛ میرزا ابراهیم، ۲۵۳۵: ۷۳-۷۲). این ایل بعد از آن در استرآباد و حوالی آن شهر سکونت یافتند و دو طایفه بزرگ یوخاری‌باش که در کوهپایه‌ها و اشاقه‌باش در همواری‌ها ساکن بودند را تشکیل دادند که بنابر مشاهدات مکتزی، ملکونف، میرزا ابراهیم و رابینو در محله میدان استرآباد ساکن بودند. در این محله علاوه بر

داشته است. اگرچه ژوبر سیاح فرانسوی در زمان فتحعلی‌شاه از استرآباد به‌عنوان یکی از مناطق پرجمعیت یاد کرد (ژوبر، ۱۳۴۷:۳۹۷). اما وبا و طاعون و به‌دنبال آن قحطی از عوامل اساسی کشتار جمعیتی محسوب می‌شد. به‌عنوان نمونه طاعونی که در ۱۲۴۷ هـ.ق، در اکثر بلاد ایران و در استرآباد موجب مرگ، ده تا دوازده هزار نفر از مردم شد (ناطق، ۱۳۵۸:۱۴). چنانکه بارنز می‌گوید: «در شهر استرآباد ما در کاروانسرای فرود آمدیم و دو شبانه‌روز غم‌انگیز را در این شهر طاعون‌زده، به سر آوردیم و این بلا شهر را ویران کرده بود» (بارنز، ۱۳۶۶:۸۵). بلای طاعونی که در سال‌های ۱۲۴۵ و ۱۲۴۶ از عثمانی به ایران وارد شد و در بعضی از مناطق ساحلی دریای خزر چنان بیداد کرد به‌طوری‌که مناطق آلوده، خالی از سکنه شد (پولاک، ۱۳۶۱:۴۸۳).

بیماری وبا هرچند که بارها و به کرات گریبانگیر استرآباد شده بود، اما این بیماری در سال ۱۲۷۹ هـ.ق از استرآباد شروع شده بود اما در سال ۱۲۸۴ هـ.ق حاکم شهر از شدت بیماری در شهر و روستا نوشت. در سال ۱۲۸۷ هـ.ق وبا همراه با قحطی آمد و عملاً «ناخوشی» به همراه کساد و بی‌رونقی و بی‌پولی مردم را فراگرفت و سبب مرگ و میر در این شهر شد (ناطق، ۱۳۵۸: ۱۶ و ۲۲)، چنانکه جمعیت شهر به یکباره از حدود ۹۷۵۰ نفر به حدود ۵۲۷۲ نفر رسید (ذبیحی، ۱۳۶۳:۲۴۱). معینی گزارش کرد که در سال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ هـ.ق، این بیماری در استرآباد کشتار بسیار کرد ولی در سال‌های بعد، گرچه مرگ و میر کم بود اما مدت آن طولانی بود (معینی، ۱۳۴۴:۴۲۴). به گزارش پولاک به دلایل «خوردن برنج زیاد و شربت‌های ترش، سبزی‌ها و میوه‌های نارس که موجد سنگ بود، در نواحی ساحلی دریای خزر، بیماری سنگ و ناراحتی‌های کبدی» به وفور دیده می‌شد (پولاک، ۱۳۶۱:۴۸۲). تاثیر غم‌انگیز بیماری وبا و طاعون در استرآباد و به‌دنبال آن قحطی، نه تنها منجر به کاهش جمعیت فعال شد، بلکه بر میزان تولید کشاورزی و صنعتی نیز تاثیرات منفی گذاشت و لطمات شدیدی وارد ساخت (ناطق، ۱۳۵۸:۲۲).

قاجارها، سادات نیز ساکن بودند که این سادات به طایفه‌های میرمجیدی، بنی‌کریمی، عقیلی، میرکمال‌الدین، درازگیسو، مردم مومن، شیرنگی و مفیدی تعلق داشتند (مکنزی، ۱۳۵۹:۱۹۴؛ ملکونف، ۱۳۶۴:۶۴؛ میرزا ابراهیم، ۲۵۳۵:۷۵؛ رایینو، ۱۳۳۶:۱۰۸).

اقوام دیگری که در استرآباد و در محله نعلبندان سکونت داشتند، بلوچ و حاجیلر<sup>۱</sup> نام داشتند که اجداد و نیاکان آنان در دوران حکومت صفویه به استرآباد کوچانیده شده بودند (ملکونف، ۱۳۶۳:۶۳؛ میرزا ابراهیم، ۲۵۳۵:۴۹). همچنین حضور ترک‌ها و کرمی‌ها بنابر مشاهدات رایینو در استرآباد ثبت شده بود (رایینو، ۱۳۳۶:۱۰۸). یکی دیگر از مهم‌ترین اقوام ساکن در استرآباد، ترکمن‌ها بودند و این قوم تاثیر بسزایی بر زندگی مردم در استرآباد داشتند.

ایران در عصر قاجار به دلایل متعدد در ارائه آمار جمعیتی با مشکل بسیاری روبرو بوده است. از همین رو ارقامی که توسط بعضی از محققین ارائه شده است، بسیار با یکدیگر متفاوت است و این ارقام دقیقاً و کاملاً صحیح نیستند (عیسوی، ۱۳۶۲:۴۷ و ۴۱)، هرچند تلاشی که در سال (۱۸۶۰ م. / ۱۲۷۶ هـ.ق) در دوره ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۶ هـ.ق / ۱۸۵۰-۱۸۹۵ م.) در زمینه آمار عمومی ایران انجام شد، به دلیل تعصب و نیز واجب‌الحرمت بودن حرم‌ها و سایر موانع باعث گردید که این تلاش با شکست روبه‌رو شود و یا اطلاعاتی که از مردم دریافت می‌شد ناقص و کم بوده است (آبوت، ۱۳۹۶:۹۰؛ عیسوی، ۱۳۶۲:۴۷ و ۴۱). آهنگ رشد جمعیت ایران در عصر قاجار، مقیاس واحد و یکسانی نداشت زیرا به هنگام رفاه و رونق بر جمعیت کشور افزوده شده و در هنگام قحطی، بیماری و یا جنگ از تعداد جمعیت کشور کاسته می‌شده است، از جمله قحطی بزرگ سال‌های (۱۸۶۹-۷۲ م. / ۱۲۸۵-۸۹ هـ.ق) بین نیم تا یک و نیم میلیون نفر را به کام مرگ کشاند (خسرویگی، قنبری مله، ۱۳۸۹:۲۵:۱) و در همه‌ی ولایات ناخوشی مشهود و کساد و بی‌رونقی و بی‌پولی افتاد (ناطق، ۱۳۵۸:۱۶).

لذا عوامل متعدد در تغییرات جمعیتی و روند کاهش یا افزایش جمعیت در سال‌های مختلف، در شهر استرآباد نقش چشمگیری

۱. حاجیلر از بازماندگان طایفه‌ی گرایلی‌ها بودند که نام خود را بر بلوک کوچکی که در آن اقامت داشتند گذاشتند (رایینو، ۱۳۳۶:۱۳۲).



جدول شماره ۴. تغییرات جمعیتی در عصر قاجار تا سال ۱۳۲۵ ق

تعداد خانوار با احتساب هر خانه ۷ نفر (به حدود)	منابع	جمعیت (به حدود)	سال قمری / سال میلادی
	(ژوبر، ۱۳۹۷:۱۳۴۷)	۱۲۰۰۰ نفر ۱۸۰۰۰ نفر	قمری ۱۲۲۰ / ۱۸۰۵ میلادی
۱۰۰۰ خانوار ۹۰۰ خانوار	(آبوت، ۱۳۱۶:۸۵) (بهلر، ۲۵۳۶:۴۹)	۵۰۰۰ نفر ۴۵۰۰ نفر	قمری ۱۲۴۷-۴۸ / ۱۸۳۱-۳۲ میلادی
	(مکنزی، ۱۳۵۹:۱۹۱۰)	۵۴۸۰ نفر	قمری ۱۲۷۵ / ۱۸۵۸ میلادی
۱۳۵۰ خانوار	(ملکونف، ۱۳۶۴:۶۵-۶۴)	۹۷۵۰ نفر	قمری ۱۲۷۵-۷۷ / ۱۸۵۸-۶۰ میلادی
۱۳۵۰ خانوار	(میرزا ابراهیم، ۲۵۳۵:۴۹)	۹۷۵۰ نفر	قمری ۱۲۷۷-۸۶ / ۱۸۶۰-۶۹ میلادی
	(ذبیحی، ۱۳۶۳:۲۴۱)	۵۲۷۲ نفر	قمری ۱۲۹۶ / ۱۸۷۹ میلادی
	(کرزن، ۱۳۴۹:۲۵۰/۱)	۸۰۰۰ نفر	قمری ۱۳۰۷ / ۱۸۸۹ میلادی
	(دمورگان، ۱۳۳۸:۱۴۳)	۱۱۸۰۰ نفر	قمری ۱۳۰۷ / ۱۸۸۹ میلادی
	(سایکس، ۱۳۶۳:۱۵)	۱۰۰۰۰ نفر	قمری ۱۳۱۱ / ۱۸۹۳ میلادی
	(قورخانچی، ۱۳۶۰:۲۲)	۱۵۰۰۰ نفر	قمری ۱۳۲۱ / ۱۹۰۳ میلادی

## ۵- وضعیت اقتصادی

ایران اگرچه برای مدت طولانی، جاده‌های شرق و غرب را به هم متصل می‌کرد (Kazembeyki, 2003:5)، اما در منطقه گرگان و طبرستان راه‌های زیادی وجود نداشت، زیرا کوه‌های طبرستان مانع از آن بود که راهی از آنجا بگذرد (لسترنج، ۱۳۹۰:۴۰۶؛ ذبیحی، ۱۳۶۳:۵۸) و راه‌ها به اندازه‌ای دشوار بود که در نقاط مختلف شرایط متفاوتی داشت، در برخی جاها سخت و هولناک و در برخی جاهای دیگر، دارای تخته‌سنگ‌های لغزان و سنگ‌های شل و ناستوار بود و برخی راه‌ها چنان باریک بود که چارپای باربر به سختی می‌توانست از آن بگذرد و هیچ چارپایی به جز اسبان محلی نمی‌توانست تندرست از آن بگذرند و در برخی نقاط به‌ویژه زمین چنان پوشیده از بیشه‌های انبوه بود که مسافر بایستی از وسط جنگل انبوهی که وسعت آن در نقاط مختلف متفاوت بود، عبور نماید و راهی به سوی آن ایالت پیدا کند، راهی که تمام باتلاق و آب‌های راکد آن فوق‌العاده تعفن و بدبو بود (موریه، ۱۳۸۶:۴۱۶؛ سایکس، ۱۳۶۳:۱۱-۱۴). این نقیصه را شاه‌عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸هـ.ق/ ۱۶۲۹-۱۵۸۷م.) که در امر مازندران و استرآباد توجه تمام داشت (میرزا ابراهیم، ۲۵۳۵:۷۷ و نیز بارتوله، ۱۳۸۶:۳۴۳) با احداث شاه راهی جهت تسهیل ارتباط بین ولایات شمالی که مورد علاقه او بوده است، برطرف نمود و به‌واسطه این راه دسترسی به ولایت استرآباد میسر گردید. (کرزن، ۱۳۳۸:۴۷۱/۱).

این جاده در نظام حمل و نقل کالاها و کاروان‌های زیارتی و تجاری و سهولت رفت و آمد و ارتباط مردم نقش مهمی داشت. جاده اصلی (شاه‌عباسی) مراکز ساحلی را به جاهای دیگر و ایالت‌های همسایه متصل می‌کرد، شاخه‌ای از شاهراه از گسکر (جنوب غربی دریای خزر) به استرآباد و سپس به بسطام در خراسان کشیده شده بود و از شهرهای آمل، بارفروش (بابل)، ساری و اشرف (بهشهر) عبور می‌کرد. سپس شاخه دیگری که خیابان نامیده می‌شد و در جهت شمال و جنوب، امتداد یافته بود، فرح‌آباد تا پل سفید در سوادکوه، از طریق ساری به علی‌آباد (قائم‌شهر) کشیده شده بود و به جاده باریک‌تری از گردنه گدوک به فیروزکوه (حدود ۷۰۰۰ پایی) و سپس به تهران می‌رسید، منتهی می‌شد (Kazembeyki, 2003:5). از لحاظ مسافت این راه بزرگترین راه، بین دریای خزر و تهران بود (کرزن، ۱۳۳۸:۸۲/۱). همچنین این شاهراه که از گسکر آغاز می‌شد، از سراسر ایالت مازندران و استرآباد می‌گذشت، متوجه بسطام، خراسان و سپس به نقطه‌ای در ۴۰ مایلی مشهد ختم می‌شد (طاهری، ۱۳۴۷:۲۷). جاده بزرگ شاه‌عباسی، استرآباد را با ایالات واقع در جنوب دریا مرتبط می‌ساخت و اگر این بزرگراه وجود نداشت مسافرت در طی چندین ماه از سال کاملاً غیرممکن بود (بارنز، ۱۳۹۵:۸۶). ابوت هم بر این امر تاکید کرد که ایالت استرآباد از یک طرف به‌وسیله جاده شاه‌عباسی به مازندران در غرب و به‌وسیله گذرگاه قزلق، بهترین راه کوهستانی در طول زمستان بوده به شرق متصل می‌شده است (آبوت، ۱۳۶۹:۱۰۲). علاوه بر این

و پیراهن استفاده می‌کردند. همچنین نوعی پارچه پنبه‌ای به نام «کرباس» بود که در استرآباد و مازندران بافته می‌شد و در نهایت چادر شب که هریک به فراخور مصرف، مورد استفاده قرار می‌گرفت. (آبوت، ۱۳۶۹:۹۵؛ مکنزی، ۱۳۵۹:۲۱۵؛ قورخانچی، ۲۱:۱۳۶۰).

در این ایالت به دلیل وجود گیاهی به نام «پتاس»، که در سواحل رود اترک می‌روید، صنعت صابون سازی و ساختن باروت با گوگردی که از بادکوبه و نیترات از مشهد وارد می‌شد، رواج داشت (کرزن، ۱۳۳۸:۱/۴۷۲؛ سایکس، ۱۳۶۳:۱۵؛ قورخانچی، ۲۱:۱۳۶۰؛ بارتولد، ۱۳۸۶:۱۴۴). همچنین عمده تولید ذغال در این منطقه، از چوب بید محلی بود (بارنز، ۱۳۹۵:۸۶؛ ذبیحی، ۱۳۶۹:۹۷؛ ۱۳۸۶:۱۷) و مردم این منطقه فرش نم‌دی مرغوب را با استفاده از پشم شتر و بز و گوسفند می‌بافتند (کرزن، ۱۳۳۸:۱/۴۷۲؛ قورخانچی، ۲۱:۱۳۶۰؛ بارتولد، ۱۳۸۶:۱۴۴).

قورخانچی صولت نظام، از آنجایی که در سال ۱۳۲۱ ق. به استرآباد سفر می‌کنند از صنایع معمولی این ایالت نیز خبر داده است که از جمله روغن کنجد گیری، نجاری، خراطی، خیاطی، کفش دوزی و غیره که به فراخور موقعیت و شرایط نیاز به فعالیت مشغول بودند (قورخانچی، ۲۱:۱۳۶۰). به نظر می‌رسد که نجاری و ساخت کالاهای چوبی با کیفیت پیش از این زمان در این ایالت وجود داشته است، زیرا در روزنامه‌ی سفر ناصرالدین شاه از پیشکش صندلی چوبی استرآباد، به ناصرالدین شاه (۱۲۶۶-۱۳۱۳ ه.ق/۱۸۵۰-۱۸۹۵ م.) خبر داده شده است. (نوابی، ۱۳۹۰:۸۱) زیرا این ایالت دارای جنگل‌های انبوه و درختان شمشاد و گردوی بسیاری بوده است که چوب‌هایش بسیار مرغوب و در ساخت وسایل چوبی بی نظیر بود (قورخانچی، ۱۳۶۰:۷۶ و نیز طاهری، ۱۳۴۷:۵۱).

از دیگر شاخصه‌های مهم توسعه‌ی اقتصادی در ایالت استرآباد، وجود معادن آن بود که در صورت شناخت و بهره‌برداری می‌توانست در رشد و توسعه‌ی اقتصادی استرآباد و کشور ایران بسیار سودمند باشد (کاظم بیگی، ۱۳۸۹:۱۶:۲۸). بنابر گزارش‌های موجود در سفرنامه آبوت، مکنزی، ملکونف که هرکدام در بازه زمان‌های متفاوت به استرآباد سفر کرده بودند از معادن بسیاری در کتاب خود همراه با ذکر دقیق مکان معادن نام برده‌اند، که در جدول زیر به آن اشاره شده است.

راه‌های اصلی در شرق و غرب ایالت، راه‌های فرعی بسیاری داشت که به راه اصلی منتهی می‌شد، مانند جاده گز به تهران، بارفروش؛ جاده شاه‌عباسی - تهران و از راه دیگر به استرآباد و از راه گردنه‌های تندی به شاهرود - دامغان، و جاده بزرگ مشهد و به طرف پایتخت، تهران منتهی می‌شد (ملکونف، ۱۳۶۴:۶۸؛ عیسوی، ۲۱:۱۳۶۲؛ قورخانچی، ۱۳۶۰:۶۵-۷۶). همچنین خط تلگراف از تهران به استرآباد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷:۳/۱۸۶۶) سوازی اهمیت تجاری بودن راه، به لحاظ اقتصادی و تجاری بسیار مهم تلقی می‌شد که نمونه بارز این امر و اهمیت مسیر به لحاظ تجاری گزارشی است که چارلز عیسوی آن را در کتاب خود ذکر کرده است (عیسوی، ۲۳۵-۱۳۶۲:۲۳۴).

ایالت استرآباد به مرکزیت شهر استرآباد، جزو سرزمین‌های خیلی نمناک به شمار رفته و به دلیل شرایط اقلیمی و خاک، به گونه‌ای طبیعی برای تولید وافر هر آنچه آدمی نیاز داشت، مساعد بود و اراضی آن، چنان بارور و حاصلخیز بود که هرچه کاشته می‌شد، به بار می‌نشست و اگرچه این سرزمین به وسیله شمار کثیری جویبار و رودخانه بزرگ قره‌سو، گرگان و اترک آبیاری می‌شد، اما عمده کشت در این منطقه به روش دیمی بود (ژوبر، ۱۳۴۷:۱۹۰؛ موریه، ۱۳۸۶:۴۱۸). محصول عمده این ایالت، علاوه بر برنج، گندم و جو بود (موریه، ۱۳۸۶:۴۱۸؛ رابینو، ۱۳۳۶:۱۰۱) و کرم ابریشم که به مقدار فراوان پرورش می‌یافت (کاظم بیگی، ۱۳۸۹:۱۶:۲۸؛ عیسوی، ۱۳۶۲:۳۶۱). هر چند محصولات کلی زیر کشت این ایالت، اعم از جو، گندم، پنبه، کنجد، کرچک، توتون، باقلا، و ماش بود اما در کنار آنها کاهو و سبزیجات و پیاز هم در استرآباد، زراعت می‌شد (مکنزی، ۱۳۵۹:۱۹۰؛ ذبیحی، ۱۳۸۶:۱۷). در این ایالت علاوه بر آنکه انواع مرکبات از جمله لیمو و پرتقال و میوه‌های گرمسیری به عمل می‌آمد، انجیر و انار جنگلی زیادی به بار می‌نشست (بارنز، ۱۳۹۵:۸۶؛ نیستانی، ۱۳۸۹:۱۸۷).

ایالت استرآباد در صنعت پارچه‌بافی ابریشمی بسیار مشهور بود؛ از جمله‌ی آنها می‌توان به پارچه‌های بافته شده به نام «کانابات» که مصنوع ابریشمی و پنبه‌ای راه‌راه به دست می‌آمد، «آلژه» که آن هم راه‌راه بود و از ضایعات ابریشم ساخته شده می‌شد و زنان ترکمن به عنوان پیراهن از آن استفاده می‌کردند و «تافته» که همان ابریشم ساده و رنگی بافته شده بود و زنان آن را برای روسری

جدول شماره ۵. جدول معادن در استرآباد در عصر قاجار

۱۸۴۷-۱۸۶۶ م (آبوت، ۱۳۶۹:۹۳)	سرب نقره‌دار ۱	ذغال سنگ ۲	آهن ۱	سرب ۳	مس ۳	قلع	نفت	نمک	یاقوت	نقره	طلا ۱	قیر ۱	چشمه گوگرد ۱	فیروزه
۱۸۵۸-۵۹ م (مکنزی، ۱۳۵۹:۲۱۶- ۲۱۷-۲۱۸)					۶		۱	۲	۱	۱		۱		۱
۱۸۵۸-۶۰ م (ملکونف، ۱۳۵۹:۷۸- ۷۹-۸۰-۸۱)					۲۳	۳	۱	۲	۱	۱	۱			۱

### نتیجه‌گیری

ایالت استرآباد از خلال سال‌های (۱۳۲۴-۱۲۱۰هـ.ق/۱۲۸۴-۱۱۷۴هـ.ش)، به مرکزیت شهر استرآباد یکی از مهم‌ترین ایالات، در شمال شرقی ایران در دوره قاجار بود. این ایالت چون مولد و موطن دولت قاجار بود با داشتن موقعیت جغرافیایی مناسب و منابع سرشار طبیعی، جنگل‌های عالی، مراتع و نهرهای متعدد، معادن غنی، آب و هوای متنوع و خاک حاصلخیز، همچنین داشتن موقعیت خاص جغرافیایی- سیاسی دروازه ورود به آسیای میانه و هند و در همسایگی دولت قدرتمند روسیه و دریای مازندران، دارای موقعیت استراتژیک بود. در این ایالت، اقوام ترکمن، یکی از مهم‌ترین اقوام بودند که همواره تأثیرات بسزایی بر زندگی مردم استرآباد داشتند. این اقوام به تیره‌های متعددی تقسیم شده بودند و تاخت و تاز آنها باعث ناامنی و هرج و مرج، در ایالت استرآباد بود، چه بسا تأثیر این ناامنی‌ها در بهانه یافتن دولت‌های بیگانه و در نتیجه تسلط اقتصادی بر منطقه بود که این تسلط منجر به کاهش عایدات تجار و کسبه می‌شده است. همچنین بررسی آمار ایالت در قالب بلوکات، فضاهای کالبدی شهر و بافت قومیتی و تغییرات جمعیتی استرآباد، می‌توان از عوامل ذیل در کاهش جمعیت نام برد:

- ۱- تأثیر بیماری وبا و طاعون در سال‌های ذکر شده در جداول آماری
- ۲- بلایای طبیعی از جمله زلزله
- ۳- حملات نظامی و تاخت‌وتازهای ترکمن‌ها که منجر به دستبرد و اسارت اهالی استرآباد و یا کشته شدن آنها می‌شد.
- ۴- نبود امکانات بهداشتی لازم از جمله لوله‌کشی آب شرب اهالی استرآباد که منجر به انتقال بیماری می‌شد.

در ایالت استرآباد ذغال‌سنگ در دو محل به فراوانی یافت می‌شد، یکی در تچرتاش روستایی در حدود ۲۴ مایلی شمال شاهرود و دیگری در رامیان، روستایی در حدود ۵۰ مایلی شرق استرآباد (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹، ۲۸:۱۶). همچنین از معادن طلا، نقره، آهن محلی، مس و ترکیبی از آن، قلع و ذغال‌سنگ و ترکیبی از سدیم (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹، ۲۸:۱۶؛ بهلر، ۲۵۳۹:۶۹) و معادن نمک و نفت در منابع گزارش شده است (شوقی، ۱۳۱۴:۶). با وجود شناسایی این معادن توسط سیاحان انگلیسی و روسی، به دلیل عدم توجه اقتصادی برای استخراج معادن، در برخی از موارد هزینه حمل کالای استخراج شده بیشتر از استخراج آن بوده است، مانند هزینه حمل ذغال‌سنگ تچرتاش که ۸ برابر مخارج استخراج آن بود (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹، ۲۸:۱۸). همچنین دوری و سختی راه، حمایت‌نکردن دولت در استخراج معادن، تعیین مالیات‌های گزاف و در نهایت ناامنی حاصل از حملات ترکمن‌ها در این منطقه می‌توانست موانعی برای استخراج معادن باشد (عیسوی، ۱۳۶۲:۴۶۱ و نیز خسروبیگی و قنبری مله، ۱۳۹۷:۳۱:۱۰).

لازم به ذکر است عدم حمایت دولت در استخراج معادن باعث شد که معادن استرآباد توسط سرمایه‌گذاران داخلی به بهره‌برداری نرسد و یا اگر سرمایه‌گذاران خارجی از جمله روسیه به صورت آزمایشی، ذغال‌سنگ معدن تچرتاش را تجربه کردند، نتیجه رضایت‌بخشی نسبت به کیفیت ذغال‌سنگ نداشتند. لذا اگر این معادن در دست حکومتی با درک بیشتر بود، موجب افزایش چشمگیر درآمد آن می‌شد و این درآمدزایی می‌توانست نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و توسعه اقتصادی شهر استرآباد و ایران داشته باشد (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹، ۲۸:۱۶-۱۷).

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷، ۱۳۶۴)، تاریخ منتظم ناصری، ترجمه محمد اسماعیل رضوانی، انتشارات نشر دنیای کتاب، ج دوم و سوم.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۴)، مرآت البلدان، پرتو نوری، محمدعلی سپانلو، تهران، نشر افسار.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، مرآت البلدان، عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، انتشارات دانشگاه تهران، ج دوم.

ترکمان، اسکندریبیک (۱۳۹۰)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش زید مرادی، انتشارات نگاه.

بارتولد، واسیلی (۱۳۸۶)، تذکره جغرافیایی تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، انتشارات توس.

بارنز، آکس (۱۳۶۶)، سفرنامه بارنز، سفر به ایران در عهد فتحعلیشاه قاجار، ترجمه حسن سلطانی‌فر، انتشارات آستان قدس رضوی.

بهلر (۲۵۳۶)، سفرنامه بهلر (جغرافیای رشت و مازندران)، به کوشش علی‌اکبر خداپرست، انتشارات توس.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، سفرنامه پولاک: «ایران و ایرانیان» ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، انتشارات خوارزمی.

حدودالعالم من المشرق الی المغرب (۱۳۶۲)، ترجمه منوچهر ستوده، تهران، ناشر کتابخانه طهوری.

خانیکوف، نیکلای ولادیمیروویچ (۱۳۹۵)، سفرنامه خانیکف (گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی)، مترجمان دکتر اقدس یغمائی، ابوالقاسم بیگناه، انتشارات آستان قدس رضوی.

خسرویگی، هوشنگ و قنبری مله، زهرا (۱۳۹۱)، اوضاع اجتماعی و اقتصادی دامغان در دوره قاجار (از آغاز تا سال ۱۳۱۰ ق.)، تحقیقات تاریخ اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم.

خسرویگی، هوشنگ و قنبری مله، زهرا (۱۳۸۹)، اوضاع اجتماعی و اقتصادی سمنان در دوره قاجار (تا سال ۱۳۱۰ ق.)، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال اول، شماره دوم.

خسرویگی، هوشنگ و قنبری مله، زهرا (۱۳۹۷)، ساختار اقتصادی و اجتماعی شاهرود در نیمه اول در عصر قاجار، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول.

دومرگان، ژاک (۱۳۳۸)، هیئت علمی فرانسه در ایران، مطالعات جغرافیایی، ترجمه کاظم ودیعی، تبریز، انتشارات سپهر.

ذبیحی، مسیح (۱۳۶۳)، گرگان نامه، تهران، انتشارات بابک.

ذبیحی، مسیح (۱۳۸۶)، استرآبادنامه (سه سفرنامه، وقفنامه و سرگذشت) با همکاری ایرج افشار، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات امیرکبیر.

رابینو، هل (۱۳۳۶)، سفرنامه مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ژوبر، پ. آندره (۱۳۴۷)، مسافرت در ارمنستان و ایران، ترجمه علیقلی اعتماد مقدم، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

ساوری، محمد فتح‌الله بن محمدتقی (۱۳۷۱)، غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات امیرکبیر.

سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳)، سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده‌هزار مایل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، انتشارات لوح.

ستوده، منوچهر (۱۳۷۷)، از آستارا تا آستارآباد شامل آثار و بناهای تاریخی کوهستان و دشت گرگان تهران، ناشر، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج ۵.

۵- بلایای طبیعی، بیماری‌های مسری و در برخی موارد ناامنی که بر اثر اقوام ترکمن در این ایالت بود، تأثیرات منفی بر توسعه اجتماعی این ایالت داشته است.

نتایج حاصله زیر، از بررسی اوضاع اقتصادی استرآباد، در فاصله سال‌های (۱۳۲۴-۱۳۱۰ هـ.ق/۱۲۸۴-۱۱۷۴ هـ.ش)، درباره راه‌ها، معادن، محصولات، مصنوعات استرآباد می‌باشد. این ایالت به دلیل برخوردارگی از منابع و معادن غنی و خاک حاصلخیز، دارای محصولات و مصنوعات متنوع و معادن بسیار بود، اما به دلایل زیر این ایالت از پیشرفت قابل توجهی برخوردار نبود.

۱- نبودن راه شوسه و صعب‌العبور بودن و دوری راه‌ها برای تجارت داخلی و خارجی

۲- ناامنی حاصل از حملات ترکمن‌ها به اموال تجار در منطقه

۳- پرداخت مالیات‌های سرسام‌آور تجار به دولت که باعث ضرر و زیان آنها بود.

۴- دریافت بار گزاف مالیات از مال‌التجاره‌های تجار از ولایت به ولایتی دیگر

۵- عدم حمایت دولت در استخراج معادن

لذا از آنجایی که این ایالت در موقعیت مناسب سوق‌الجیشی قرار داشت و به‌عنوان دروازه ورود به آسیای میانه و هند شناخته شده بود، شرایط و وضعیت متفاوتی را دارا بود. وجود تجارخانه‌هایی که در جزیره آشوراده و بندرگز قرار گرفته بود، باعث تأسیس و توسعه تجارت دریایی با روسیه و تا اندازه‌ای منجر به توسعه اجتماعی در فضاهای کالبدی شهر، از جمله کاروانسراها و افزایش جمعیت و توسعه اقتصادی در زمینه افزایش دکان‌ها در استرآباد شده بود.

## منابع و مآخذ

آبوت، کیث ادوارد (۱۳۶۹)، شهرها و تجارت ایران در دوره قاجار، گزارش کنسول آبوت از اقتصاد و جامعه ایران (۱۸۶۶-۱۸۴۷ م)، ترجمه سید عبدالحسین رئیس‌السادات، تهران، انتشارات امیرکبیر.

آدمیت، فریدون و ناطق، هما (۱۳۹۸)، افکار اجتماعی سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، تهران، انتشارات آگاه.

ابوالفدا (۱۳۴۹)، تقویم البلدان، عبدالصمد آیتی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

ابن حوقل (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن حوقل، ایران در صور الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، انتشارات امیرکبیر.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۶۸)، مسالک و ممالک، ترجمه ایرج افشار، انتشارات علمی و فرهنگی.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۰۶ هـ ق)، المآثر والآثار، انتشارات کتابخانه ثنائی.

شوقی، عباس (۱۳۱۴)، دشت گرگان، ناشر موسسه خاور.  
 شیبانی، صدیق‌الممالک (۱۳۶۶)، منتخب‌التواریخ، تهران، انتشارات علمی، ج ۱.  
 طاهری، ابوالقاسم (۱۳۴۷)، جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان از نظر جهانگردان، انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.  
 عزالدوله و ملکونف (۱۳۶۳)، سفرنامه ایران و روسیه «نواحی شمال ایران» به کوشش محمد گلین و فرامرز طالبی، انتشارات دنیای کتاب.  
 عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران (قاجاریه ۱۳۳۲-۱۲۱۵هـ.ق)، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره.  
 فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، ترجمه و حواشی منوچهر امیری، انتشارات توس.  
 فلور، ویلم (۱۳۶۶)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، جلد اول.  
 قورخانچی، محمدعلی (۱۳۶۰)، نخبه سیفیه، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ ایران.  
 کاظم‌بیگی، محمد علی (۱۳۸۹)، روسیه، دریای مازندران و استرآباد؛ گزارش تایلور تامسون وابسته نمایندگی سیاسی بریتانیا در تهران (۱۸ ربیع‌الثانی ۱۲۶۲هـ.ق/ ۱۵ آوریل ۱۸۴۶م)، ترجمه محمد علی کاظم‌بیگی، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال هفتم، شماره ۲۸.  
 کاظم‌بیگی، محمدعلی (۱۳۹۰)، کنسولگری بریتانیا در ایالات جنوبی دریای مازندران در دوران قاجاریه و کارکنان محلی آن، تحقیقات تاریخ اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم.  
 کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۶۲)، ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، انتشارات علمی و فرهنگی، جلد اول.  
 لسترنج، گای (۱۳۹۰)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، مترجم محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.  
 مستوفی، عبدالله (۱۳۷۷)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از آغا محمدخان تا آخر ناصرالدین شاه، انتشارات زوار، ج اول.  
 مرعشی، سید ظهیرالدین (۱۳۶۳)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به اهتمام برنهارد دارن، مقدمه از یعقوب آژند، انتشارات گستره.  
 معطوفی، اسدالله (۱۳۹۶)، استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران، نگاهی به ۵۰۰۰ سال تاریخ منطقه، انتشارات درخشش.  
 معطوفی، اسدالله (۱۳۹۴)، تاریخ و پیشینه اجتماعی شهرستان بندر گز، گرگان، انتشارات نوروزی.

معطوفی، اسدالله (۱۳۸۷)، گرگان و استرآباد، سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی، تهران، انتشارات حروفیه.  
 معینی، اسدالله (۱۳۴۴)، جغرافیا و جغرافیای تاریخی گرگان و دشت، چاپخانه شرکت سهامی طبع گرگان.  
 مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، شرکت مولفان و مترجمان ایران، چاپ کاویان.  
 مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹)، سفرنامه شمالی، منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران، نشر گستره.  
 ملکونف، (۱۳۶۴)، سفرنامه ملکونف به سواحل جنوبی دریای خزر، (۱۸۵۸ و ۱۸۶۰م)، مسعود گلزاری، تهران، انتشارات دادجو.  
 موریه، جیمز (۱۳۸۶)، سفرنامه جیمز موریه (سفر دوم)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس.  
 میرزا ابراهیم (۲۵۳۵)، سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان، محمود گلزاری، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.  
 ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۸۳)، سفرنامه ناصرالدین‌شاه به مازندران، هارون و هومن، تهران، نشر پاینده.  
 ناطق، هما (۱۳۵۸)، مصیبت وبا و بلای حکومت، تهران، نشر گستره.  
 نیستانی، جواد (۱۳۸۵)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ناشر مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.  
 نیستانی، جواد (۱۳۸۹)، گلستانه، نشر پیک ریحان.  
 نوائی، عبدالحسین (۱۳۹۰)، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه، الهام ملک‌زاده، تهران، ناشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.  
 وره‌رام، غلامرضا (۱۳۶۷)، نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران، انتشارات معین.

## References

FRAZER 'James' Baillie (1826) 'Tvvvlls ddd adventures in the persian provinces on the southern banks of the caspian sea' published printed for longman London.  
 Kazembeyki' Mohammad Ali (2003) i'ooii tyy'oolitiss ddd mmmmmmmms mzzrrrrrr rr Iran' 1848-1914' Routledge Curzen London.